

تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در
دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

Effectiveness of Premarital Training Program on
Commitment Characteristics in Female
Students at Islamic Azad University of Fasa

S. Najarpourian, M.A. ✉

F. Bahrami, Ph.D.

O. Etemadi, Ph.D.

سمانه نجارپوریان ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر فاطمه بهرامی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر عذرا اعتمادی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

Abstract

The purpose of this study was to examine the effectiveness of pre-marital training program (PREP) on commitment characteristics. The research procedure was quasi experimental with pre-test and post-test design with a control group.

The statistical sample included 30 female students of Islamic Azad University of Fasa that randomly selected, and assigned in experimental and control groups (N=15).

✉Corresponding author: Dept. of Family Counseling Isfahan University, Isfahan, Iran.
Tel: +98731-3342523
Fax: +98731-3339524
Email: s.najarpourian@yahoo.com

چکیده:

در این پژوهش تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در دختران دانشجوی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، ۳۰ نفر دانشجوی دختر از میان دانشجویان دانشگاه آزاد، به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند. افراد گروه نمونه به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) گمارش شدند. طرح پژوهش، نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود.

✉ نویسنده مسئول: تهران - ضلع شرقی پارک آزادی - دانشگاه پیام نور - گروه علوم تربیتی و مشاوره
تلفن: ۰۷۳۱-۳۳۴۲۵۲۳ دورنما: ۰۷۳۱-۳۳۳۹۵۲۴
پست الکترونیک: email: s.najarpourian@yahoo.com

Commitment Characteristics Inventory, was administered to both groups at baseline (Fer 1988). The experimental group attended in 6 sessions (1 session per week) of pre-marital commitment training. Results were analyzed using SPSS software. The findings showed that **PREP** on commitment significantly increased awareness of commitment characteristics in experimental group.

Keywords: Pre-Marital Training Program, Commitment, Commitment characteristics

پس از اجرای پیش‌آزمون با استفاده از آزمون سنجش ویژگی‌های تعهد فر^۱ (۱۹۸۸) برای هر دو گروه، گروه آزمایش به مدت ۶ هفته، هر هفته یک جلسه ۴۵ دقیقه‌ای، تحت آموزش پیش از ازدواج تعهد قرار گرفتند و پس از پایان این مدت، پس‌آزمون سنجش ویژگی‌های تعهد، برای هر دو گروه اجرا شد. یافته‌های تحقیق با استفاده از روش تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان دادند که آموزش تعهد پیش از ازدواج، بر بهبود ویژگی‌های تعهد و افزایش میزان آن تأثیر مثبت داشته، و نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری نسبت به نمرات گروه کنترل بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: آموزش تعهد پیش از ازدواج^۲، ویژگی‌های تعهد، دختران دانشجو

مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده است. ازدواج رابطه‌ای انسانی، پیچیده و بسیار ظریف است. از دلایل عمده ازدواج می‌توان به عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضاء نیازهای عاطفی - روانی و افزایش شادی و خشنودی اشاره داشت (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۲). ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضاء نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روانی و تجارب سالم نیازمند داشتن نگرش‌های منطقی، کسب مهارت‌ها و انجام وظایف خاص است (باگاروزی^۴، ۲۰۰۱). بدیهی است که ازدواج اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که در بزرگسالی منعقد می‌شود و انتخاب همسر و انعقاد پیمان زناشویی نقطه عطفی در رشد و پیشرفت شخص تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد سه دلیل اصلی ازدواج در جوامع امروزی عشق، همنشینی و تحقق انتظاراتها است (امیدوار، ۱۳۸۶). یکی از عوامل مهم در ماندگاری و حفظ یک ازدواج، احساس تعهد در زوجین است. عواملی که روان‌شناسی روابط نزدیک را تعریف می‌کند عبارتند از: درگیری احساسی، تقسیم کردن افکار و احساسات و وابستگی بین‌فردی یا تعهد. این عوامل توصیف می‌کنند که روابط نزدیک چیست و چرا افراد این روابط را شکل داده و چگونه آن را توسعه می‌دهند. اولین عامل درگیری احساسی است که شامل احساسات عاشقانه، گرمی و وفاداری به فرد دیگر می‌باشد. دومین عامل شامل تقسیم کردن احساسات و تجربه‌های فرد است و سومین عامل وابستگی و ایجاد تعهد میان دو

فرد است که سعادت آن دو را به یکدیگر گره می‌زند (کلی^۶ و همکاران، ۱۹۸۳، به نقل از تبعه امامی، ۱۳۸۲). نظریه پردازان مختلف به ارتباط بین مفاهیم عشق و تعهد پرداخته‌اند، به گونه‌ای که عده‌ای بر انطباق عشق و تعهد بر هم، عده‌ای بر تفکیک و جدایی این دو مقوله و عده‌ای دیگر نیز بر وجود یک فصل مشترک بین عشق و تعهد اشاره کرده‌اند. بعد از شیدایی اوایل ازدواج و پس از آن که شور روزهای نخست ازدواج فروکش می‌کند، توجه به رفاه و خوشبختی همسر، مهم‌ترین نیروی پیونددهنده روابط زن و شوهر می‌شود. این احساسات کم و بیش با زندگی مشترک و نقش بعدی مراقبت از فرزندان منطبق است. زن و شوهر در هر شرایطی در قبال آسایش، ناراحتی، ثروت و فقر یکدیگر مسئول‌اند (تبعه امامی، ۱۳۸۲).

واژه «تعهد» و پای‌بندی «به معنای تصمیمی عقلانی» که مستلزم مقید بودن فرد به اعمالی خاص است؛ و یا «حالتی دال بر وابستگی عاطفی یا عقلانی به ایده‌آلی مطلوب»، می‌باشد (گود^۵، ۱۳۸۴). همچنین تعهد به معنای «تداوم پایدار در نوعی فعالیت و موقعیت که یکی از دو شریک رابطه یا هر دوی آن‌ها، رفتار خود را در جهت تداوم آن استمرار بخشد» نیز تعریف شده است (تبعه امامی، ۱۳۸۲). مسئولیت که نشان و عیار تعهد است، معیاری فراهم می‌آورد تا زن و شوهر خود را با آن بسنجند. اگرچه بعضی از زوجها در آغاز زندگی مشترک خود را نسبت به رابطه زناشویی متعهد می‌دانند، اما ممکن است میزان تعهد آن‌ها، آن قدر نباشد که در برابر طوفان‌های ناگزیر و ناشی از ناملایمات زندگی زناشویی مقاومت کنند (گود، ۱۳۸۴). در واقع ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی جاذبه، تفاهم و تعهد است. بدون تعهد، هرگونه رابطه‌ای سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود و زوجین نخواهند توانست عمق عشق و صمیمیتی را که تنها در سایه وفاداری به تعهد به وجود خواهد آمد، تجربه کنند (تبعه امامی، ۱۳۸۲).

تعهد شامل دو مؤلفه است: از خود گذشتگی و محدودیت (استنلی و مارکمن^۷، ۱۹۹۲؛ به نقل از استنلی، ۲۰۰۲). بدون تعهد هرگونه رابطه‌ای سطحی و بدون سمت و سو خواهد بود. هر آشنایی معطوف به ازدواج پس از مدتی اگر به تعهد خاصی نرسد، در واقع یک آشنایی ناکام خواهد بود. تعهد قدرتمندترین و سازگارترین پیشگوی رضایت رابطه، به‌ویژه برای طولانی‌ترین روابط است (آکر و دیویس^۸، ۱۹۹۲). فلورین^۹ و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند که تعهد ارتباطی به‌عنوان یک مکانیسم کنترل وحشت عمل می‌کند. به‌طوری که تفکر در مورد تعهد رمانتیک باعث تأثیر اخلاق در قضاوت اجتماعی می‌شود و کاهش تفکر در مورد تعهد رمانتیک باعث افزایش دسترسی به تفکرات مربوط به مرگ می‌گردد. فینک^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط بین تعهد و بخشش پایدار است و به نظر می‌رسد که این ارتباط با تفسیر شناختی همراه است که واکنش احساسی در آن زیاد پایدار نیست. روش افراد در یک رابطه متعهدانه، پیش‌بینی‌کننده سلامت رابطه

می‌باشد. در پژوهشی پیرامون عوامل منجر به طلاق نشان داده شد که عدم تعهد مهم‌ترین عامل برای طلاق به شمار آمده و ۸۰٪ افراد، فقدان تعهد در روابطشان را، دلیل طلاق خود دانسته‌اند (کوهان و کلینباوم^{۱۱}، ۲۰۰۲). چنان‌که رینولد و منسفیلد^{۱۲} (۱۹۹۹) گزارش کرده‌اند، پس از عامل عشق و لذت از مصاحبت با همسر، تعهد دومین عامل از مهم‌ترین عوامل مشخص شده به عنوان ضامن دوام ازدواج می‌باشد.

متخصصان مختلف در رابطه با ویژگی‌های تعهد اظهار نظرهای متعددی کرده‌اند، به‌گونه‌ای که در منابع مختلف لیست‌های متعددی از ویژگی‌های تعهد ارائه شده است که برخی از آن‌ها دارای وجوه تشابه و همپوشی زیاد، و برخی دارای شباهت کمتری هستند. از جمله ویژگی‌های تعهد (آنجلیس، ۱۳۸۲) عبارت‌اند از: مسئولیت، گذشت و فداکاری، وفاداری به قول و عهد، اعتماد، و عشق و دوست داشتن.

براساس یافته‌های اخیر در پژوهش‌هایی در زمینه تعهد، تعدادی از راهبردهای خاص در برنامه‌های آمادگی پیش از ازدواج پیشنهاد می‌شوند. به‌عنوان نمونه، تحقیقات نشان می‌دهند افرادی که به شریک‌شان متعهدتر هستند کمتر به این‌که چه چیزی در رابطه با شریک‌شان دوست دارند، فکر می‌کنند (استنلی و همکاران، ۱۹۹۸). هم‌چنین تحقیقات نشان می‌دهند، که کلیدهای ثبات در ازدواج کمتر در تعهد به صورت «از خودگذشتگی» بلکه بیشتر در تعهد به «محدودیت» خود را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که در تصمیم به ماندن یا ترک کردن، اکنون بیشتر اولویت با ارزش‌های ترک است تا میل به ماندن (استنلی و همکاران، ۱۹۹۸). عده‌ای دیگر از محققان نیز تعهد در ازدواج را به‌عنوان یک مفهوم یا هدف برای ادامه دادن یک ارتباط (آدام و جونز^{۱۳}، ۱۹۹۴؛ لوند^{۱۴}، ۱۹۸۵؛ به‌نقل از هندریک^{۱۵}، ۲۰۰۵) و یک دلبستگی روان‌شناختی نسبت به ارتباط (راسبولت و مارتز^{۱۶}، ۱۹۸۵؛ به‌نقل از هندریک، ۲۰۰۵) تعریف کرده‌اند. لوور^{۱۷} و لوور (۱۹۸۶؛ به‌نقل از هندریک، ۲۰۰۵) اعتقاد دارند تعهد به عنوان یک مؤلفه مستقل مهم در ثبات رابطه نیز تلقی می‌شود و هم‌چنین با سایر مؤلفه‌های ارتباط نظیر عشق (استرنبرگ^{۱۸}، ۱۹۸۶)، خیانت (فیبیر^{۱۹}، ۱۹۸۸؛ مارتون، هیچ، مانکی، وریدر^{۲۰}، ۱۹۸۸؛ به‌نقل از هندریک، ۲۰۰۵) و وفاداری نیز مربوط می‌شود.

یکی از راه‌های آگاهی افراد در آستانه ازدواج، آموختن مهارت‌های لازم جهت ارتقاء روابط بین‌فردی به آن‌ها می‌باشد و آموزش پیش از ازدواج نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. متخصصان علم خانواده درباره کارآمد بودن آموزش‌های قبل از ازدواج، اطمینان دارند. حتی زوج‌هایی نیز که در این برنامه‌ها شرکت داشته‌اند، نگرش مثبتی نسبت به آموزش قبل از ازدواج و اثرات آن بر افزایش کیفیت زندگی زناشویی دارند و آن را رویدادی ارزشمند می‌دانند (خمسه، ۱۳۸۲).

بنابراین با عنایت به آن‌چه که گذشت و با توجه به این‌که ایجاد و حفظ تعهد یکی از بنیان‌های اصلی در ثبات و پایداری ازدواج است و از سوی دیگر آموزش تعهد نیز می‌تواند از جمله برنامه‌های

اثر بخش قبل از ازدواج باشد، بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش تعهد در قالب برنامه آموزش پیش از ازدواج طراحی و در پی دستیابی به تأثیر این برنامه آموزشی بر بهبود ویژگی‌های تعهد در میان دانشجویان دختر می‌باشد.

روش

این پژوهش از نوع نیمه تجربی، پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بوده است و انتخاب آزمودنی‌ها و جایگزینی آن‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل به صورت تصادفی انجام شده است. برای پرهیز از اثر متغیرهای مزاحم سعی شد تا تأثیر متغیرهایی نظیر تحصیلات و موقعیت اجتماعی کنترل گردد. به این معنی که کلیه آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل از مقطع تحصیلی کارشناسی و از طبقه متوسط اجتماع انتخاب شدند.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی شهر فسا در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ است. از این جامعه آماری تعداد ۳۶ نفر دانشجوی دختر به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند. به عبارت دیگر از مجموعه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تنها کسانی که از وجود این کارگاه آموزشی مطلع گشته و مایل به حضور در آن بودند در این طرح پژوهشی شرکت کردند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر کدام ۱۸ نفر) گمارش شدند. در فاصله جلسات آموزشی گروه آزمایش دو تن از آزمودنی‌ها بیش از دو جلسه غیبت داشتند، و یک نفر از جلسه سوم به بعد از شرکت در جلسات انصراف داد. بدین ترتیب گروه آزمایش با سه افت آزمودنی مواجه شد، که به ناچار سه نفر از اعضای گروه کنترل نیز جهت پس‌آزمون به طور تصادفی حذف گردیدند.

ابزارهای پژوهش

فهرست ویژگی‌های تعهدفر: فهرست ویژگی‌های تعهدفر (۱۹۸۸) توسط تبعه امامی (۱۳۸۲) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. از آنجا که به نظر می‌رسید این ابزار بیشتر به منظور سنجش عهدشکنی جنسی ساخته شده باشد، از این رو گویه‌هایی از آن که به طرح مسائل جنسی پرداخته و به لحاظ ارزشی و فرهنگی با مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های جامعه ما مناسب نبود، توسط تبعه امامی حذف و ویرایش گردید. برای تعیین اعتبار صوری و محتوایی، سیاهه در اختیار متخصصان روان‌شناسی اجتماعی قرار گرفت و ویژگی‌های نامناسب حذف گردید. شکل نهایی فهرست شامل ۴۲ ویژگی است که در یک طیف هشت درجه‌ای لیکرت از «بسیار بسیار قوی» با نمره ۸ که نشان‌دهنده حداکثر موافقت با آن ویژگی به عنوان شاخص تعهد، تا «بسیار بسیار ضعیف» با نمره ۱ که حاکی از

حداقل موافقت با ویژگی مزبور برای نشان دادن تعهد است، می‌باشد. ضریب پایایی این مقیاس توسط تبعه امامی (۱۳۸۲) برابر ۰/۸ و در این تحقیق ۰/۸۴ بدست آمد که قابل قبول است. همه گویه‌های این سیاهه به جز گویه ۳ (سر حرف خود ایستادن) به صورت مثبت نمره‌گذاری شد. برخی از گویه‌ها شامل گویه ۲: مسؤولیت، گویه ۸: عشق، گویه ۱۱: وفاداری، گویه ۲۳: تداوم طولانی، و گویه ۳۱: حمایت کردن، بالاترین نمرات را خصوصاً در پس‌آزمون کسب کردند (با میانگین ۴/۳ در پیش‌آزمون و ۷/۱ در پس‌آزمون).

شیوه اجرا

پس از جایگزینی تصادفی دانشجویان در دو گروه آزمایش و کنترل و اجرای پیش‌آزمون در هر دو گروه، گروه آزمایش به مدت ۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای، هر هفته یک جلسه، تحت تأثیر متغیر مستقل، یعنی آموزش تعهد پیش از ازدواج قرار گرفت. آزمودنی‌های گروه کنترل، در این مدت از هیچ آموزشی استفاده نکردند. پس از پایان آموزش برای گروه آزمایش، پس‌آزمون بر روی کلیه آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید.

در این برنامه آموزشی تعهد و کارکرد آن به‌وسیله نظریه عشق مثلثی استرنبرگ (۱۹۸۴)، مدل رشد تعهد (استنلی، ۲۰۰۲)، فرایند تعهد به شخص نامناسب، انواع تعهد و ویژگی‌های آن و موانع تعهد سالم توضیح داده شد. برنامه آموزشی گروه آزمایش در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: سرفصل محتوای جلسات آموزش تعهد

جلسه	عنوان: ایجاد ارتباط و آمادگی
جلسه اول	دستور جلسه: ارائه پیش‌آزمون، ایجاد ارتباط و معرفی اعضا به یکدیگر، وضع قواعد و ساختار جلسات و بیان منطق آموزش تعهد، تکلیف خانگی
جلسه دوم	عنوان: معرفی مفهوم تعهد و انواع آن دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف خانگی، ارائه تعاریف مختلف از تعهد و بررسی آن‌ها، تبیین یک مفهوم واحد از تعهد، بررسی انواع تعهد، ارائه تکلیف خانگی
جلسه سوم	عنوان: بررسی تعهد بر اساس نظریه عشق مثلثی استرنبرگ دستور جلسه: مرور تکالیف خانگی جلسه قبل، معرفی نظریه عشق استرنبرگ و پرداختن به تعهد و کارکرد آن، ارائه تکلیف خانگی
جلسه چهارم	عنوان: مدل رشد تعهد و ویژگی‌های تعهد دستور جلسه: مرور تکالیف خانگی جلسه قبل، معرفی مدل رشد تعهد استنلی، شناخت ویژگی‌های تعهد و ارائه تکلیف خانگی
جلسه پنجم	عنوان: بررسی موانع تعهد و فرایند تعهد به شخص نامناسب دستور جلسه: مرور تکالیف خانگی جلسه قبل، بررسی محدودیت‌ها و موانع پیش روی تعهد، فرایند تعهد به شخص نامناسب و ارائه تکلیف خانگی
جلسه ششم	عنوان: بررسی سطوح تعهد دستور جلسه: مرور تکالیف خانگی، آشنایی با سطوح تعهد، نتیجه‌گیری کلی از جلسات آموزشی، انجام پس‌آزمون و ختم جلسات

یافته‌ها

داده‌های جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر نشان داد میانگین سنی آزمودنی‌ها در گروه کنترل ۲۱/۸۷ و در گروه آزمایشی ۲۱/۳۳ سال و میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۲۱/۶۰ سال است. در جدول ۲ میانگین نمرات تعهد آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در گروه آزمایشی تفاوت میانگین نمرات در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در مقایسه با گروه کنترل افزایش معناداری دارد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات تعهد در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های کنترل و آزمایشی

متغیر	گروه	نوع آزمون	میانگین	انحراف معیار	تعداد
نمرات تعهد	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۳۸/۴۶	۱۹/۳۹	۱۵
		پس‌آزمون	۱۷۸/۳	۱۵/۱۸	۱۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۲۵/۶	۱۴/۴۵	۱۵
		پس‌آزمون	۱۲۵/۴۶	۱۴/۴۵	۱۵

در جدول ۳ نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در مرحله پس‌آزمون نشان داده شده است. از آنجایی که یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس همسانی واریانس‌های دو گروه است، برای تعیین همسانی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که با $F=1/93$ و سطح معناداری $P=283$ پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها در گروه آزمایش و کنترل تأیید گردید. بنابراین با توجه به رعایت این پیش‌فرض تحلیل کوواریانس انجام شد، که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در پس‌آزمون

توان آماری	ضریب اتا	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	گروه
۰/۸۸	۰/۷۸	۰/۰۰۰	۲۴/۶۸	۵۴۰۵/۳۴	۱	۵۴۰۵/۳۴	گروه
۰/۹۸	۰/۵۸	۰/۰۰۰		۲۱۸/۹۹	۱۴	۲۸۴۶/۹۱	خطا
					۱۵	۴۸۲۴۱۱	کل

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که، تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل با کنترل اثر پیش‌آزمون با $F=24/68$ و در سطح $P<0/000$ معنادار است. به عبارت دیگر آموزش تعهد پیش از ازدواج منجر به بهبود ویژگی‌های تعهد در بین دختران شده است.

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در میان دانشجویان تأثیرگذار بوده است. این نتیجه با نتایج حاصل از پژوهش‌های استنلی (۲۰۰۶)، ریویز (۲۰۰۶)، هندریک (۲۰۰۵)، استنلی (۱۹۹۲) و امامی (۱۳۸۲) همسو است.

استنلی (۲۰۰۶) در پژوهش بر روی گروهی از زوج‌های طبقه متوسط در آستانه ازدواج دریافت که شرکت در آموزش پیش از ازدواج با سطوح بالاتری از رضایت و تعهد در دوران ازدواج و سطوح پایین‌تری از تعارض بین زوجین و هم‌چنین کاهش آمار طلاق مرتبط است. هم‌چنین ریویز (۲۰۰۶) معتقد است هر ارتباطی پستی و بلندی‌هایی دارد که برای حفظ یک رابطه تأهلی لازم است زوجین با کمک یکدیگر بر روی مشکلات و حل آن‌ها کار کنند. وی کلیدهای ساخت یک ازدواج قوی و مستحکم را در تعهد، تفکر مثبت، ارتباط، عاطفه، مهربانی، درک و احترام و هدف مشترک می‌بیند. به باور هندریک (۲۰۰۵) تعهد از طریق فرایند ارزیابی از رفتار پیش‌ارتباطی رشد می‌یابد. به طوری که آگاهی از نوع و سطح رفتار در ارتباطات اولیه، بیانگر تناسب و همگرایی رفتارهای زوجین نسبت به یکدیگر بوده که این موضوع تعیین‌کننده میزان وفاداری و تعهد آن‌هاست. بر همین اساس استنلی (۱۹۹۲؛ به نقل از هندریک، ۲۰۰۵) اعتقاد دارد که ثبات در ازدواج با تعهد به ماندن در زندگی زناشویی در ارتباط است و آگاهی و کسب بینش نسبت به مفهوم و اهمیت تعهد برای حفظ یک زندگی زناشویی به‌عنوان کلید ورود به یک رابطه بادوام محسوب می‌شود. در همین زمینه امامی (۱۳۸۲) نیز به بررسی ویژگی‌های تعهد در میان دانشجویان متأهل پرداخت و ویژگی‌های پیرامونی و مرکزی تعهد و میزان هر یک از آن‌ها را از نظر هر یک از دانشجویان استخراج کرد، که با ویژگی‌هایی که در این برنامه آموزشی مورد توجه و ارزیابی قرار گرفت، مطابقت داشت.

در مورد دلایل احتمالی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر تعهد به نظر می‌رسد، آشنایی با مفهوم صحیح تعهد، ویژگی‌ها، موانع و محدودیت‌های آن و نیز نقشی که تعهد در ثبات و پایداری زندگی زناشویی ایفا می‌کند، در ایجاد یک نگرش صحیح‌تر نسبت به این مفهوم و آگاهی از امتیازات و قوت‌های آن در افزایش کیفیت و رضایت در زندگی مشترک، برای دختران دانشجوی در آستانه ازدواج مؤثر بوده و آن‌ها را با اهمیت و ارزش آن آشنا کرده است. در عین حال با توجه به این‌که برخی از آزمودنی‌ها در شرایط آشنایی قبل از ازدواج به سر می‌بردند، شاید بهره‌گیری به موقع از آموزش‌هایی از این دست، آن‌ها را در جهت سنجش و بررسی ویژگی‌های تعهد هم در خودشان و هم در طرف

مقابل و نیز آگاهی از فرایند تعهد به شخص نامناسب، کمک کرده و زمینه‌ساز ازدواج‌های موفق‌تر باشد. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در برنامه آموزش‌های قبل از ازدواج، اهمیت و نقش تعهد و ویژگی‌های آن گنجانده شود تا زوجین با احساس مسئولیت بیشتری وارد پیوند زناشویی شوند.

یادداشت‌ها

1. Fer
2. Pre-marital Training Program
3. Commitment
4. Bagarozzi
5. Good
6. Kelley
7. Stanley & Markman
8. Acker & Davis
9. Florian & Reeder
10. Finke
11. Cohan & Kleinbaum
12. Reynold & Mansfiel
13. Adam & Jones
14. Lund
15. Hendrick
16. Rusbult & Martz
17. Lauer
18. Sterenberg
19. Fehr
20. Marston, Hecht, Manke, &

منابع

- امیدوار، ب. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج دانشجویان در آستانه ازدواج بر انتظارات و نگرش‌های آنها در شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۲). *آیا تو آن گمشده‌ام هستی؟* (ترجمه هـ ابراهیمی). تهران: انتشارات نسل نو (انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۲).
- برنشتاین، ف. و برنشتاین، م. (۱۳۸۲). *زناشویی درمانی، شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی*. (ترجمه ت. سهرابی). تهران: خدمات فرهنگی رسا (انتشار به زبان اصلی: ۱۹۸۶).
- خمسه، ا. (۱۳۸۲). *آموزش قبل از ازدواج*. تهران: دانشگاه الزهرا.
- تبعه‌امامی، ش. (۱۳۸۲). *تعیین و بررسی رابطه بین ویژگی‌های مرکزی و پیرامونی عشق و تعهد در بزرگسالان جوان متأهل دانشگاه اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- گود، ن. (۱۳۸۴). *زندگی با همسر کج‌مدار (راهنمای سازگاری زناشویی برای زنان)*. (ترجمه ف. فروزنده داورپناه). تهران: انتشارات جوانه رشد (انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۰).

- Acker, M., & Davis, M. H. (1992). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationship: A test of the triangular theory of love. *Journal of Social and Personal Relationship*, 9, 21-50.
- Bagarozzi, D. A. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: Clinical handbook*. Brunner-Routledge.

- Cohan, C. L., & Kleinbaum, S. (2002). Toward a greater understanding of premarital cohabitation and marital commitment. *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 180-193.
- Finke, E. J., Rusebult, C. E., Kumashiro, M., & Hannon, P. A. (2002). Dealing with betrayal in close relationship: Does commitment forgiveness? *Journal of Personality & Social Psychology*, 82(6), 956-974.
- Florian, V., Mikulincer, M., & Hirschberger, G. (2002). The anxiety buffering function of close relationship: Evidence that relationship commitment acts as a terror management mechanism. *Journal of Personality Social Psychology*, 82(4), 527-542.
- Hendrick, S. S. (2005). *An Association of commitment and communal-exchange relationship orientation*. Unpublished doctoral Dissertation. Texas Tech University, Texas.
- Reeves, P. (2006). *Keys to building a strong marriage: Commitment strengthening your marriage applying new research to making better marriage*. Arkansas: University of Arkansas cooperative Extension Service.
- Reynold, J., & Mansfield, P. (1999). *The effect of changing attitudes to marriage on its stability*: Lord chancellor's Department. High Divorce Rates: The state of the evidence on Reasons and Remedies, V.(1), 1-3. Research series No.2/99 [On-Line]. Available: www.oneplusone.org.uk.
- Stanley, S. M., Blumberg, S. L. & Markman, H. J. (1998). Helping couples fight for their marriages: The PREP approach. In R. Berger & M. Hannah (Eds.), *Handbook of preventive approaches in couples Therapy* (PP. 279-302). New York: Brunner/Mazel.
- Stanley, S. M. (2002, July). *What is it with men and commitment, anyway?* Paper presented in The 4th annual smart marriages conference. Washington D.C.
- Stanley, S. M., Amato, P. R., Johnson, C. A., & Markman, H. J. (2006). Premarital education, marital quality, and marital stability: Findings from a large, random household survey. *Journal of Family Psychology*, 20(1), 117-126.